

- **روایة: (لا تنقضي الدنيا حتى يجتمع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و علي عليه السلام في الثوية ..)**

روایت « دنیا پایان نمی پذیرد تا رسول الله (صلى الله على وآله وسلم) و علي (عليه السلام) در ثویه گرد هم آیند ...»

لا شك في وجود عالم الرجعة، كما لا شك في وجود عالم الذر أيضاً، بنص الآيات الكريمة وعشرات الأحاديث الشريفة، وبضمهما إلى عالم الدنيا تكون عوالم قوس النزول ثلاثة (1)، ولست بصدد البحث فيها الآن بقدر ما وددت الإشارة إلى أن عالم الرجعة غير عالم الدنيا.

با استناد به نص آیات قرآن کریم و دهها روایت شریف، در وجود عالم رجعت هیچ شک و شبهه‌ای نیست، همان طور که در وجود عالم ذر تردیدی وجود ندارد. از انضمام این دو با عالم دنیا، عوالم سه گانه‌ی قوس نزول تشکیل می‌شود². البته من اکنون در صدد بحث و گفتگو در این خصوص نیستم، فقط خواستم اشاره کنم که عالم رجعت غیر از عالم دنیا است.

ولما يستحضر المرء هذه الحقيقة يخطر في باله الكثير من روايات آل محمد عليهم السلام وهم يؤكدون على اجتماع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأمير المؤمنين عليه السلام في هذا العالم بالكوفة في آخر الزمان لبناء مسجد يخص دولة العدل الإلهي العالمية. ولا يخفى أن تأويل مثل هذه الأحاديث بعالم الرجعة فاشل جداً ومجانب للحقيقة بعد اتضاح اختلاف عالم الرجعة عن عالم الدنيا كما قدمنا، والروايات تصرح بأن الاجتماع يكون في هذا العالم الذي نحن فيه، أي الدنيا. فماذا تعني تلك الروايات إذن؟

وقتی که فرد این حقیقت را درمی‌یابد، روایات زیادی از آل محمد (علیهم السلام) به ذهنش خطور می‌کند که در آنها بر جمع شدن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (عليه السلام) در آخرالزمان، در این عالم و در کوفه به قصد ساختن مسجدی که مخصوص دولت عدل الهی جهانی خواهد بود، تاکید شده است. همان طور که قبلاً بیان شد، اکنون مشخص شده که عالم رجعت متفاوت از عالم دنیا است لذا تاویل و تفسیر این روایات به عالم رجعت کاملاً بی‌ربط و به دور از حقیقت است؛ حال آن که روایات تصریح می‌کند که این گردهم

1. راجع کتاب المتشابهات: ج4/ سؤال رقم (169)، للسید أحمد الحسن (عليه السلام).

2 - به کتاب متشابهات سید احمد الحسن (عليه السلام)، جلد 4 سؤال شماره‌ی 169 مراجعه نمایید.

آمدن در همین عالمی که ما در آن هستیم رخ خواهد داد، یعنی در دنیا! پس معنی و مفهوم این روایات چیست؟

سألت العبد الصالح (عليه السلام) عن بعض تلك الروايات، وقلت: حين مطالعة بعض الروايات الشريفة يخطر في البال معنى، بل يؤيده بعض الذي عرفناه في دعوة الحق، ولكن يبقى الخوف من التحدث به قبل الرجوع إليك، مثلاً: رواية اجتماع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلي (عليه السلام) في الكوفة وبنائهما لمسجد فيه ألف باب، والقوم عند عرض هذه الروايات وأمثالها مباشرة يقولون أنّ ذلك يكون في الرجعة.

از عبد صالح (عليه السلام) در مورد شماری از این روایات سؤال نمودم و گفتم: هنگام مطالعه برخی روایات شریفه، معنایی به ذهنم خطور می‌کند که برخی از مطالبی که در دعوت حق فهمیده‌ایم، آن را تایید می‌کند ولی قبل از این که به شما رجوع کنیم، از بیان آنها بیمناکم؛ مثلاً روایت گرد آمدن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و علی (عليه السلام) در کوفه و ساختن مسجدی که هزار در دارد. به هنگام مطرح نمودن این روایات و امثال آن، مردم بلافاصله می‌گویند این کارها در رجعت به وقوع می‌پیوندند.

فقال (عليه السلام): (تقصد مثلاً: قوله تعالى: (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (3)).

ایشان (عليه السلام) فرمود: «منظور شما مثلاً این سخن خداوند است که: «(آن کس که قرآن را بر تو نازل کرده است، تو را به وعده‌گاهت باز می‌گرداند، بگو: پروردگار من بهتر می‌داند که چه کسی بر راه راست و چه کسی در گمراهی آشکار است)»^۴».

فقلت: نعم، والرواية هي هذه: عن أبي مروان قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله عز وجل (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ)، قال: فقال لي: لا والله لا تنقضي الدنيا ولا تذهب حتى يجتمع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلي

3. القصص: 85 .

4 - قصص: 85 .

بالتوبة ، فيلتقيان وبينان بالتوبة مسجداً له اثنا عشر ألف باب، يعني موضعاً بالكوفة (5).

گفتم: آری، و روایت این است: ابی مروان می گوید از ابا عبدالله امام جعفر صادق (علیه السلام) درباره‌ی فرموده‌ی خدای عزوجلّ که «**إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ**» پرسیدم، حضرت فرمود: «**نه به خدا سوگند، دنیا به پایان نمی‌رسد و از بین نمی‌رود تا این که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و علی (علیه السلام) در ثویه گرد هم آیند، و با هم ملاقات کنند و در ثویه مسجدی بسازند که دوازده هزار در دارد.**»؛ یعنی جایی در کوفه^۶.

فقال (علیه السلام): (لديك رواية أخرى عن نفس هذا المسجد، هل تعرفها؟ هل تعرف الرواية الأخرى عن المسجد الذي ذكرته هذه الرواية؟).

ایشان (علیه السلام) فرمود: «شما روایت دیگری درباره‌ی همین مسجد دارید، آیا آن را می‌دانی؟ آیا روایت دیگری از مسجدی که همین روایت به آن اشاره می‌کند، سراغ داری؟».

فقلت: قرأت روايات أن المسجد يصلي فيها اثنا عشر إماماً عدلاً (7).

گفتم: در روایات خوانده‌ام که در این مسجد، دوازده امام عادل نماز می‌گزارند^۸.

⁵. بحار الأنوار : ج 53 ص 113 – 114.

^۶ - بحار الانوار: جلد 53 صفحه 113 و 114.

⁷ عن حبة العرنی، قال: (خرج أمير المؤمنين (عليه السلام) إلى الحيرة، فقال: **ليصلن هذه بهذه - وأوماً بيده إلى الكوفة والحيرة - حتى يباع الذراع فيما بينهما بدنائير وليبينن بالحيرة مسجداً له خمسمائة باب يصلي فيه خليفة القائم U؛ لأن مسجد الكوفة ليضيق عليهم، وليصلين فيه اثنا عشر إماماً عدلاً، قلت: يا أمير المؤمنين ويسع مسجد الكوفة هذا الذي تصف الناس يومئذ؟ قال: تبني له أربع مساجد مسجد الكوفة أصغرهما، وهذا ومسجدان في طرفي الكوفة، من هذا الجانب وهذا الجانب، وأوماً بيده نحو نهر البصريين والغريين) تهذيب الأحكام: ج 3 ص 254.**

^۸ - حبه‌ی عرنی می‌گوید: «امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سمت حیره خارج شد و فرمود: روزی این به این متصل خواهد شد - و با دستش به کوفه و حیره اشاره نمود - به صورتی که یک ذراع زمین بین آنها به دینارها فروخته می‌شود (یعنی ارزش زیادی پیدا خواهد کرد) و در حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در دارد و خلیفه‌ی حضرت قائم (علیه السلام) در آن نماز می‌گزارد؛ زیرا مسجد کوفه برای آنها دیگر کوچک خواهد بود، همچنین دوازده امام عادل در آن نماز خواهند خواند. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین آیا در آن زمان، مسجد کوفه گنجایش این مردمی که می‌فرمایی را خواهد داشت؟ فرمود: چهار مسجد در آن ساخته خواهد شد که مسجد کوفه کوچکترین آنها خواهد بود و این مسجد و دو مسجد دیگر در دو طرف کوفه از این طرف و این طرف؛ و با دست به نهر بصریین و غریین اشاره فرمود.» تهذیب الاحکام: جلد 3 صفحه 254.

فقال (عليه السلام): (لا ليس هذه، بل إن الناس يطلبون من القائم أن يبني مسجداً يسعهم؛ لأن الصلاة خلفه تعدل الصلاة خلف رسول الله، فبيني لهم مسجداً له ألف باب (9)).

فرمود: «نه (منظورم) این نیست، بلکه مردم از قائم می‌خواهند که مسجدی بسازد که گنجایش آنها را داشته باشد؛ چرا که نماز خواندن پشت سر وی، برابر با نماز خواندن پشت سر رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) است. حضرت نیز برای آنها مسجدی می‌سازد که هزار در دارد»^{۱۰}.

ثم قال (عليه السلام): (تمسك بالذي فطر كل شيء وأعطى كل شيء خلقه، واقبل كل ما يخبرك به سبحانه تعرف كل شيء منه ولن تضيع، ولن تضل ولو ضاع وصلّ أهل الأرض بأجمعهم).

سپس فرمود: «به آن کسی که همه چیز را پدید آورده و آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشته، چنگ زن و متمسک شو، و هر آنچه خداوند سبحان تو را به آن آگاه می‌سازد، پذیرا باش، تا همه چیز را از او بدانی و تباہ و گمراه نگردی، حتی اگر تمام اهل زمین جملگی تباہ و گمراه شوند».

فقلت: إذن هل أستطيع القول بأن الرواية تشير إلى مثل الرسول صلى الله عليه وآله (وسلم) ومثل أمير المؤمنين (عليه السلام) اليوم.

گفتم: با این حساب آیا می‌توانم بگویم که این روایت در واقع به مثل رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) در امروز اشاره دارد؟

9. عن أبي جعفر (عليه السلام) في خبر طويل: (يدخل المهدي الكوفة، وبها ثلاث رايات قد اضطربت بينها، فتصفو له فيدخل حتى يأتي المنبر ويخطب، ولا يدري الناس ما يقول من البكاء .. فإذا كانت الجمعة الثانية، قال الناس: يا ابن رسول الله الصلاة خلفك تضاهي الصلاة خلف رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) والمسجد لا يسعنا فيقول: أنا مرتاد لكم فيخرج إلى الغري فيخط مسجداً له ألف باب يسع الناس عليه أصيص، ويبعث فيحفر من خلف قبر الحسين (عليه السلام) لهم نهراً يجري إلى الغريين حتى ينبذ في النجف .. بحار الأنوار: ج 52 ص 331.

۱۰ - ابو جعفر امام محمد باقر (علیه السلام) در خبری طولانی فرموده است: «حضرت مهدی (علیه السلام) وارد کوفه می‌شود در حالی که سه پرچم (کنایه از سه گروه و جریان) در آنجا هستند که با هم اختلاف دارند. آنها اختلافات را کنار می‌گذارند و تابع امام می‌شوند. امام به منبر می‌رود و خطبه می‌خواند و مردم از شدت گریه متوجه حرف‌های ایشان نمی‌شوند هنگامی که جمعه‌ی دوم فرا می‌رسد، مردم می‌گویند: ای پسر رسول خدا نماز خواندن پشت سر شما برابر با نماز خواندن پشت سر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است و مسجد، گنجایش ما را ندارد. آن حضرت می‌فرماید: من با شما طلب می‌آیم. سپس حضرت به «غری» می‌رود و تصمیم به طرح مسجدی می‌گیرد که هزار درب دارد تا ظرفیت مردم را داشته باشد و بر آن بنایی محکم می‌سازد. سپس امر می‌فرماید پشت قبر امام حسین (علیه السلام) نهری را حفر کرده که به سمت غریین (نجف و کوفه) جاری می‌گردد تا آن که آب به نجف برسد». بحار الانوار: جلد 2 صفحه 331.

فقال (عليه السلام): (كثير من الروايات هي كذلك (11)، وروايات الرجعة أيضاً، والرجعة رجعتان: رجعة في قيام القائم بمثلهم، ورجعة في عالم الرجعة "الأولى" بأنفسهم وبأجساد تناسب ذلك العالم بعد أن ينسيهم الله حالهم والامتحان الأول والثاني).

فرمود: «بیشتر روایات این چنین هستند^{۱۲}. همین طور است روایات رجعت؛ رجعت نیز خود بر دو نوع است: رجعت در قیام قائم با مثل‌های آنها، و رجعت در عالم رجعت «نخستین» با نفس‌ها و با بدن‌هایی که متناسب با آن عالم است، پس از آن که خداوند حال و وضعیت‌شان و نیز امتحان اول و دوم را از یادشان می‌برد».

* * *

11. يمكن مراجعة الروايات الشريفة التي بينت قوله تعالى: (إن الذي فرض عليك القرآن ..) وغيرها.

12 (« می‌توان به روایاتی که سخن خداوند متعال -همان کسی که قرآن را بر تو واجب نمود. مراجعه نمود، و نظایر آن «...»)